

دیدگاه و رویکرد قرآن و نهج‌البلاغه به اعتدال در مناسبات بشری

بهمن کرمی کیا^۱، محمد جواد جعفری^۲، رستم علی اکبری^۳

چکیده:

مهمترین ویژگی آموزه‌های قرآن کریم در حوزه مسائل اجتماعی به مثابه کتاب آسمانی مسلمانان با زبان و بیان ماندگار آن که نقشه راه زندگی و رفتار مسلمانان را تعریف می‌کند میانه‌روی و اعتدال است. تأکید قرآن کریم بر این ویژگی در بسیاری از آیات و بیش از همه آموزه‌ای که خداوند مسلمانان را «امّه وسط» خوانده است دانسته می‌شود. قرآن اجزاء راه زندگی را بر اساس همین نقشه برمی‌شمارد و با تعابیری همچون پرهیز از اسراف و زیاده روی، رعایت اعتدال و عدالت و نیز رعایت اقتصاد و قسط، در رفتار، گفتار و باورهای فردی انسانها توصیف می‌کند. این آموزه‌ها همچنین به انسان گوشزد می‌کند که در رویارویی با وظایف و لوازم و تکالیف الهی به اندازه و صلاح و توانش اقدام نماید و خود را به سختی نیاندازد. چنانچه که در رویارویی با وظایف و لوازم و تکالیف الهی به اندازه و وسع و توانش اقدام نماید و خود را به سختی نیاندازد. توصیه قرآن به اعتدال و میانه‌روی به جز مباحث مربوط به احکام در توصیه‌ها و اندرزهای اخلاقی نیز مشهود است. عدل از اصول مهم مذهب تشیع است. به همین روی شیعه به نام دیگری هم شناخته می‌شود و آن «عدلیه» است. اعتدال همانا به کار بستن عدل در حوزه‌های مختلف زیست انسانی و از مهمترین آموزه‌های قرآن کریم به شمار می‌رود. در این پژوهش نیز سعی بر آن شده که به اهمیت اعتدال و معنا و مفاهیم برگرفته از آن در چارچوب نظام رفتاری و نظام زندگی بشری به آن پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: اعتدال، عدالت، قرآن، اجتماع، امت اسلامی، میانه‌روی، نهج‌البلاغه

مقدمه:

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران Bahman.karami.kia@gmail.com

^۲ دکتری حقوق و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران Dr.jafari14@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران rostamaliakbari.phd@gmail.com

در عصر خودنمائی، تصلب گرایی، تاجرگرایی، سلفی‌گری، خشونت و تندروی، رویکرد اعتدال گرایی، میانه‌روی و تسامح که شالوده و اساس فطرت انسانی با مدد گرفتن از اندیشه و تعقل، راه رسیدن به حقیقت را هموار می‌سازد.

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان و مستمسک به زیستن آنان با زبان و بیان ماندگار آن نیز معبر عبور و رسیدن به تکامل و تعالی را اعتدال و میانه‌روی ترسیم می‌کند و امت مسلمان را بهترین امتی می‌شناسد که نشانه بهترین بودن نشان میانه‌روی است بطوریکه خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «و همان‌گونه که شما را به راه راست هدایت کردیم شما را امتی میانه و پیراسته از افراط و تفریط قرار دادیم (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۴۳).

اما علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «چپ و راست کمینگاه گمراهی است و راه میانه راه راست الهی است، کتاب خدا و آئین رسول (ص) را توصیه می‌کند و سنت پیامبر به آن اشاره دارد و سرانجام همین جاده ترازوی کردار همگان است (نهج البلاغه، کلام ۱۶).

یادآوری این نکته ضروری است که مبنای قرآن بر خرد ورزی و اندیشه برپایه علم و آگاهی است چرا که با بهره‌گیری از خرد و تعقل می‌توان راه رستگاری را طی نمود، این مسئله تنها در مکتب اسلام به تنهایی بیان نگردیده است برای مثال ارسطو نیز در سیر فلسفه خود از «اعتدال» سخن به زبان می‌آورد و معتقد است که اعتدال راه رسیدن به فضیلت است و از آن به معنای میانه‌روی و حد وسط میان افراط و تفریط در اعمال و عواطف یاد می‌کند (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ۱۳۷۷: ۵۹۳).

بنابراین هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد (شکریان، فصلنامه قرآنی کوثر، ۵۵).

مسئله عدل و اعتدال مانند مسئله توحید در تمام اصول و فروع دین اسلام ریشه دوانده است یعنی همانطور که هیچ یک از مسائل عقیده‌ای و عملی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و حقوقی از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست، همچنین هیچ یک از آنها را خالی از روح عدل و اعتدال نخواهیم یافت و به همین دلیل در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت و اعتدال تکیه نشده است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بالعدل قامت السموات و الارض». «آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل استوارند» (حسینی، ۱۳۶۴، ج ۱۲ و ۴۰۲).

این تعبیر رسالتی‌ترین تعبیر درباره عدالت تلقی می‌شود، یعنی نه تنها زندگی محدود بشر در این کره خاکی بدون عدالت برپا نمی‌شود، بلکه سراسر جهان هستی و آسمان و زمین همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و قرار گرفتن هر چیزی در مورد مناسب خود برقرار هستند و اگر لحظه‌ای از این اصول منحرف شوند رو به نیستی خواهند گذارد.

بنابراین در این پژوهش تلاش کرده ایم با تفکر در آیات کلام الله و کتاب عظیم‌الشان نهج‌البلاغه و بهره‌گیری از معانی آنها مباحثی را که به مسئله اعتدال و عدل پرداخته است در چندین مقوله با عناوین زیر دسته بندی و ارائه نمائیم:

(۱) اعتدال در اندیشه

۲) اعتدال در گفتار و رفتار

۳) اعتدال در حقوق و احکام

۴) اعتدال در مسائل مالی (اقتصادی)

که جملگی این موارد در مناسبات اجتماعی دخیل بوده و بکار گرفته می‌شوند ولی قبل از پرداختن به این مباحث به تعریفی از مفهوم اعتدال و اینکه آیا اعتدال مکتب است یا گفتمان یا روش برای درک بهتر از مباحث می‌پردازیم...

سئوال‌های تحقیق:

۱) اعتدال در قرآن کریم چه جایگاهی دارد؟

۲) دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) نسبت به مسئله اعتدال در نهج‌البلاغه به چه شکلی است؟

معنا و مفهوم اعتدال:

ریشه اعتدال عدل است که بر باب افتعال در آمده است، این باب برای مطاوعه یعنی پذیرش اثر فعل است، بنابراین اعتدال در هر کاری به معنای حضور و اثر بخشی عدل در آن کار است و عدل هم تنها به معنای حد وسط و میانه نیست اگر چه در مواردی بسیار آن دو را هم شامل می‌شود، اعتدال واژه‌ای آشنا و برخوردار از فهم روان در جان و اندیشه آدمی است لیکن واژه‌های دیگری در قرآن آن را معنی می‌کند، اعتدال در لغت از ریشه عدل برگرفته شده است. (حکیم پور، محمد، ۱۳۹۳، ص ۲۰)

در قرآن برای بیان مفهوم اعتدال واژه اعتدال «بکار نرفته بلکه از واژگانی استفاده شده که در معنا اعتدال را نمایندگی می‌کند و واژگانی همچون «قصد»، «وسط»، «سواء» و حتی «حنیف» و در برخی موضوعات واژه خاصی مورد استفاده نیست بلکه معنای مستتر در بیان روش می‌تواند اماره‌ای باشد برای بیان اعتدال و میانه‌روی، رعایت اندازه و تناسب و دوری از تند روی و کند روی، در معنای این واژه و مشتقات آن اصل است و از این رو در تمام کاربردهای آن چه در حوزه امور حقیقی و چه در حیطه امور اعتباری، چه در عقل نظری و چه در عقل عملی جریان دارد (کمپانی زارع، مهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷)

چنانچه واژه عدل را مستتر در اعتدال بدانیم به این معنی می‌رسیم که در اعتدال باید احقاق حق شود و عدالت که به تعبیر امام علی(ع) قرار گرفتن هر چیز در جای خود معنی می‌شود (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷) یعنی حق هر کس و هر چیز ادا می‌شود و در قرآن «موازنه» یا «تسویه» را هم مترادف با عدل دانسته «والذی خلق فسوی» (قرشی، علی اکبر (۱۳۵۲)، ج ۴، ص ۳۰۱)

از مجموعه آنچه تحت عنوان اعتدال و واژه‌های مرتبط با آن در قرآن و در فهم بشری از آن یاد می‌شود به این نتیجه می‌رسیم که بروز و ظهور اعتدال عمدتاً در رفتار و منش آدمیان متجلی است و اندیشه می‌تواند به‌عنوان مبنای رفتار مورد توجه باشد، شاید بر این اساس بتوان با کسانی که معتقدند اعتدال یک گفتمان نیست هم‌نوا شد.

نکته دیگری که باید مورد توجه باشد این است که اعتدال در فرهنگ‌های مختلف و در میان اقوام، قبایل و ملت‌ها اندکی تفاوت دارد و اعتدال گرانی را نمی‌توان با شاخص معینی برای همه جوامع بشری یکسان در نظر گرفت.

لیکن از آنجا که معمولاً اصول مشترکی میان باورها و رفتارهای بشری وجود دارد، شاید بتوان گفت آن اصول مشترک را می‌توان مبنای اعتدال در رفتار به حساب آورد مثل صداقت، وفای به عهد، پرستش و ایمان به مرگ و اینکه همه انسانها آن را تجربه خواهند نمود و این‌ها در مجموع تعیین‌کننده اخلاقیات جوامع می‌تواند به حساب آید، بنابراین از نظر مفهومی، هر نوع گرایش به اعتدال همواره در میان دو نقطه تفریطی یا افراطی قرار می‌گیرد، لذا اعتدال را باید بر اساس شرایط و اوضاع خاص ارائه و معرفی نمود ضمن آنکه باید مراقب بود این گفتمان دچار نسبی‌گرایی مفرط نشود البته این امر نیز به خودی خود رخ نمی‌دهد چرا که مقوله اعتدال یک نقطه ثقل و جوهره مستقل دارد که مانع نسبی‌شدن مفرط آن می‌گردد (حاجیان، ابراهیم، ۱۳۹۳، ص ۶۴)

اعتدال مکتب است یا گفتمان یا روش:

به نظر می‌رسد اعتدال بیش از آنکه گفتمان یا مکتب باشد یک روش است، روشی است که در هر امری برای رسیدن به مطلوب باید حضور پیدا کند تا با کمترین آسیب، بالاترین بهره‌وری را با خود به ارمغان آورد، تهدیدها را تحدید نماید و فرصت‌ها را توسعه بخشد، اصطلاح روش هم به خود راه اشاره دارد و هم به قواعد و ابزارهای رسیدن به آن، روش عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیر عقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت و یا توصیف واقعیت، در معنای کلی‌تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است، روش ممکن است به مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش بکار می‌روند، و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند اطلاق شود. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۲۴)

در جهان بینی قرآنی، روش نباید بیگانه با هدف و مقصود باشد، بلکه باید تناسب روش با ارزش نهفته در مقصود رعایت شود، در این نوع جهان بینی بکارگیری هر روشی و ابزاری مجاز نیست زیرا ممکن است نقض غرض بوده و اساساً با روح و گوهر مقصود در تضاد باشد، اعتدال بیشترین قرابت را با روش دارد و با تعاریفی که از روش، گفتمان و مکتب وجود دارد می‌توان این ادعا را به خوبی درک کرد، گفتمان در فهم معنا و توسعه معنایی یک مفهوم، کارائی دارد، اما در تحقیق معنا، نیازمند روش اجرایی هستیم. بنابراین مفهوم اعتدال به مفهوم روش نزدیک‌تر است تا گفتمان، گفتمان نه تنها مربوط به امری است که می‌تواند گفته یا درباره اش اندیشه شود، بلکه درباره اینکه چه کسی، در چه زمانی، و با چه آمریتی می‌تواند سخن بگوید نیز هست، گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی سیاسی (قدرت) است، همین که کلمات و مفاهیم در درون گفتمان‌های مختلف گسترش پیدا کنند، معنا و تأثیر خود را تغییر می‌دهند. (عضدانلو، ۱۳۸۰، ص ۱۶ و ۱۸)

اما رابطه اعتدال با مکتب، رابطه وسیله و هدف است، اگر چه اعتدال بعنوان روش لازم است متناسب با جهان‌بینی و طرح کلی مکتب باشد اما خود مکتب نیست، مکتب عبارت است از پایداری یک ساختار و نظام متفاوت بر اساس اصول و مبانی و پیش‌فرض‌های تازه که هم به لحاظ شکلی و هم به جهت محتوایی و هم در نتایج نهایی، تفاوت‌های اساسی با ساختار و سیستم رقیب و بدیل خود دارد، بر اساس این تعریف در داخل یک مکتب با وجود پیش‌فرض‌ها و اصول بنیادین واحد و ساختار مقبول، مدرسه

های گوناگون ظهور می‌کنند، از این رو مکتب در این اصطلاح اعم از مدرسه (علی پور، ۱۳۸۵) و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۲۹ تا ۲۸)

استاد مطهری در تعریف مکتب می‌گوید: «یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۵) علمای اخلاق نیز اعتدال را سرچشمه فضائل می‌دانند و معتقدند اعتدال (میانروی یا حد وسط) در هر نیروئی حضور یابد فضیلتی تولید می‌شود، «... توسط درقوت شهویه را عفت گویند و توسط درقوت غضبیه را شجاعت و توسط درقوت تدبیریه را حکمت و مراد حکمت علمیه است نه علم به اعیان و توسط در مجموع قوای ثلاثه را عدالت»

اعتدال در روابط اجتماعی و چندین مؤلفه آن:

زندگی اجتماعی زمانی به درستی سامان می‌یابد که بر روابطی معتدل استوار باشد، زیرا هرگونه افراط و تفریط در روابط اجتماعی سبب تزلزل فرد و جامعه و سیر آنها به سوی تباهی می‌شود، انسان خردمند و زیرک در اداره امور، در مدیریت، در رهبری و بطور کلی در هر ارتباط اجتماعی رفتاری متعادل دارد و دیگران را بر اساس اعتدال به حرکت می‌دهد، امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «الفقیه کل الفقیه من لم یقنط الناس من رحمه الله، ولم یویسهم من روح الله، ولم یومنهم من مکرالله» (نهج البلاغه، حکمت ۹۰) «دانای فهمیده و زیرک کسی است که مردم را از آموزش خدا مأیوس سازد، او از مهربانی او نومیدشان نکند و از عذاب ناگهانی وی ایمنشان ندارد.»

بنابراین علماء علوم رفتاری در توصیف جامعه ایده آل که ظرفیت رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های آحاد جامعه را داشته باشد بر این باور هستند که شناخت از خود به ویژه شناخت دایره نفوذ و اثر گذاری بر کسانی که با آنها در ارتباط هستیم می‌تواند عامل مؤثری در اصلاح رفتار و تعاملات اجتماعی باشد، معارف دینی و قرآنی نیز شناخت از خود را عامل مهمی در تعیین رفتار مناسبات اجتماعی معرفی می‌کند، روانشناسان اجتماعی می‌گویند «خود» بر صفات ذاتی فرد استوار نیست بلکه به تدریج و با سوگیری کنش‌های متقابل با محیط ساخته می‌شود، منظور این است که محیط به فرد شکل می‌دهد.

بنابراین ساخت «خود» با کسب آگاهی از موجودیت خود و با توانایی تفکر درباره خود مثل تفکر درباره دیگران آغاز می‌شود، اما آنچه در بحث اعتدال در مناسبات اجتماعی مطرح است این است که آیا فهم از خود می‌تواند حرکت به سمت اعتدال و میانروی را ایجاد نماید و یا اساساً نفوذ و باورهای فرد از خود و دیگری از فرد و تأثیر و نفوذ آن بر رفتار آدمی منتهی به اعتدال می‌شود؟ مطالعات نشان می‌دهد که نفوذ اجتماعی که موجب تغییر رفتار یا باورهای فرد که از طرف یک شخص یا یک گروه از اشخاص اعمال می‌شود ۵ شکل به خود می‌گیرد: ۱) بهنجار سازی، همرنگی، موافقت، اطاعت و نوآوری، منبع این اشکال ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و سپس در رفتار آدمی برور و ظهور می‌یابد.

بنابراین ساخت خود با کسب آگاهی از موجودیت خود و با توانائی اندیشه درباره خود مثل تفکر درباره دیگران آغاز می‌شود و فرد به همان شیوه ای که سعی می‌کند ویژگی های دیگران را بشناسد تا بتواند رفتارهای آنها را پیش کند تلاش می‌کند خودش را نیز بشناسد و درباره خود باورهایی فراهم آورد، باورهای او درباره دیگران بر اساس آنچه درباره آنها می‌شنود، موجب تعامل هایی می‌شود که درباره آنها برقرار می‌کند (لوک بدار و دیگران، ۱۳۸۶)

در جامعه ای ایدئولوژیک که دین و ایدئولوژی مبنای شکل‌گیری آن است این امر بروز و ظهور بیشتری دارد به ویژه در اندیشه دینی اسلام، چون اساس آموزه‌های دینی اسلام و قالب «قرآن» که نمادی از اندیشه و تفکر است شکل گرفته است در حوزه اعتدال گرانی با خوانش دینی در حوزه اندیشه گفتار و رفتار می‌تواند رفتار اعتدالی را بر مبنای آموزه‌های قرآن تبیین کرد با نگاهی به این آموزه ها در چند حوزه ذیل به بازخوانی آنها پرداخته و به دیدگاه قرآنی به واژه اعتدال در مناسبات اجتماعی بشر می‌پردازیم:

۱- اعتدال در اندیشه:

از آنجا که مبنای رفتار آدمی نگرش و باورهای اوست و به تعبیری علمای علوم رفتاری تغییر نگرش که موجب تغییر رفتار می‌شود محصول فرآیند قانع سازی است، در میان باور به میانه‌روی و اعتدال که از اصول آموزه‌های قرآنی است با زیر ساختی معرفت شناسانه که عقل آن را همراهی می‌کند اعتدال است که می‌تواند راه صواب را تبیین نماید.

لیکن باور داشت های ما و اعتقاداتمان یکی از مؤلفه های شکل‌گیری رفتار اعتدالی است و آن را حمایت می‌کند، با پیش فرض هایی از مجموعه بدیهیات و پنداشتهائی که در نتیجه آنها کنشگر دست به رفتار می‌زند (زمانیان، ۱۳۸۸: ۴۷) برای آنکه کنشگر به فضیلت اعتدال برسد علاوه بر دارا بودن پیش فرض های معرفت شناختی نوعی آمادگی و ظرفیت روانشناختی هم ضرورت دارد و اهمیت می‌یابد.

علامه طباطبائی بر این باور است که خداوند از هر حیث از جمله اعتقادات و اعمال، مسلمانان را نقطه اعتدال ادیان دیگر از جمله یهودیت و مسیحیت قرار داده و تفریط های آن را در اسلام وارد نکرده است بعنوان مثال این دین نه به ما دیگرانی مشرکان و کافران گرفتار آمده و نه در رهبانیت و روح پروری نصارا متوقف مانده است، چون اسلام دین فطرت است و رفتارهایی را به انسان آموزش می‌دهد که مبتنی بر علم و آگاهی است و از این طریق می‌کوشد که سعادت دنیوی و اخروی وی را تأمین کند. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۲۰، ۳۱۹)

و این اساس تفکر و اندیشه آدمی می‌تواند راه فلاح و رستگاری وی را تأمین نماید: «ان الذین عندالله الاسلام و ما اختلف الذین لوتوالکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب»، «مسلماً دین نزد خدا اسلام است و اهل کتاب اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را آگاهی آمد، این اختلاف به خاطر حد و تجاوز میان خودشان بود، هر کس به آیات خدا کافر شود خدا حسابرسی سریع است (سوره آل عمران، آیه ۱۹) پس مبنای اندیشه راستین، آگاهی، دانش، تعقل و تفکر است شاید به همین دلیل است که پیامبر (ص) می‌فرماید: «یک ساعت اندیشه راستین برتر است از عبادت هفتاد سال.»

در تبیین وجه اعتدال در اندیشه عمدتاً به بحث «غلو» و ضرورت دوری گزیدن از آن پرداخته می‌شود تا بتوان اعتدال در اندیشه را به خوبی معنا کرد، نهی قرآن از اندیشه «غالی» نشان از گرایش تفکر دینی به اعتدال گرایی است، موضوع «غلو» در اکثر اندیشه‌ها و دیدگاهها وجود دارد به ویژه در اندیشه‌های دینی غلو به مثابه پدیده‌ای طبیعی همواره در نوع گرایش‌های انسانی جریان داشته است (قبادی، ۱۳۸۶)

اعتدال می‌تواند اندیشه‌ای برآمده از عقلانیت، صداقت، عدالت، آگاهی و کرامت انسانی باشد و به معنی فهم صحیح از شرایط و انطباق واقعیت با حقیقت می‌تواند اعتدال را نمایندگی کند یعنی آنچه که بر فطرت بشری منطبق باشد اعتدال است، از ویژگی‌های دیگر اعتدال در اندیشه می‌توان آینده‌نگری همراه با عقلانیت و ذی‌وجوه دیدن هر امری را اعتدال نامید، «فأتم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اکثر الناس لا یعلمون»، «پس حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین روی آور، سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست، (سوره روم، آیه ۳۰)

۲- اعتدال در گفتار و رفتار:

مهمترین عامل برقراری ارتباط با دیگران از طریق زبان و گویش محقق می‌شود یعنی آنچه در قرآن با واژه قول و قیل بکار رفته که به معنای مطلق سخن گفتن است در اقرب الموارد چنین آمده، قول به معنای کلام یا هر لفظی است که زبان آن را انشاء می‌کند تمام باشد یا ناقص (قرشی، ۱۳۵۲، ج ۶: ص ۴۵) آنچه در اینجا حائز اهمیت است نوع گویش و ادبیاتی است که قرآن بعنوان شیوه در بیان مطلب معرفی می‌کند، در قرآن خداوند توانائی بشر را بر تکلم بعنوان رحمت الهی مورد نظر دارد و از آن یاد می‌کند، سپس درخصوص نوع گفتار و نحوه برقراری ارتباط موضوع را مورد توجه قرار داده است که با نگاه به آیات ذریبند افراط و تفریط و حد اعتدال را مورد بررسی قرار می‌دهد.

قرآن مهمترین ابزار انتقال مفاهیم و باورها را هم در گفتگو و مفاهمه می‌داند آنجا که به موسی می‌گوید: به سوی فرعون برو و با او سخن بگو «ذهب الی فرعون انه طغی» و به او بگو می‌خواهی پاک شوی؟ «فقل هل بک الی ان تزکی»... (سوره نازعات، آیه ۱۷ و ۱۸)

تأکید قرآن بر برقراری ارتباط از طریق زبان بدلیل آن است که شناخت و فهم صحیح از چگونگی ارتباط مؤثر با افراد جامعه و نقش و اثر بخشی رفتار انسانی می‌تواند به پیشبرد اهداف کمک کند و چون انبیاء با هدف اصلاح جامعه و فراگیری اخلاق مبعوث شده‌اند، شناخت و گسترش پیام آنها از طریق زبان می‌تواند به بهبود روابط بین فردی و مناسبات اجتماعی مبعوث بی‌انجامد (بروجردی، ۱۳۹۰، ص ۱۰)

در بیان اعتدال در گفتار مهمترین تأکید قرآن بر بکارگیری واژه «سلام» است تا جائیکه در توصیف اهل بهشت می‌فرماید: «لا یسمعون فیها لغوا ولا تدثیماً، الا قیل سلاماً» ترجمه: «بهشتیان در آنجا نه سخن بی‌هوده‌ای می‌شنوند، نه کلام گناه‌آلودی مگر سخنی که سلام است و سلام (سوره واقعه، آیه ۲۵ و ۲۶) انسان بر اثر سیر و سلوک اخلاقی می‌تواند به اعتدال کامل نزدیک شود.

گرچه کاملاً به آن دست نیابد در اخلاق اجتماعی مفهوم عدالت با این پیش فرض که عدل به معنای استواری در راه حق و نلغزیدن به سوی باطل است تفسیر شده است و این یعنی همان اعتدال که در اخلاق اسلامی از آن بعنوان حالت ثبات و سلامت روح و روان آدمی یاد می‌شود.

در باب اعتدال در رفتار نیز باید گفت از آنجا که نگاه قرآن در رساندن انسان به تکامل و تعالی بر پایه اصلاح اندیشه و گفتار نیکو و رفتار و کرامت بخش متکی است، بیان این موضوع نگاهی همه‌جانبه به رفتار آدمی را طلب می‌کند، وجوه بحث رفتار اجتماعی در قرآن در برگزیده همه جوانب، سلائق، گروهها و اقوام مختلف است و به نوعی بروز رفتارها در دو حوزه «علائق» و «سلائق» نشان داده می‌شود (حکیم پور، ۱۳۹۳: ص ۴۷) که در اینجا مورد بحث به آن پرداخته می‌شود و صورت کلی از رفتار در تعامل با دیگران مورد توجه است.

لذا آنچه قرآن برای تفهیم آن در ابتدا از تعادل و میانه‌روی در خلقت انسان یاد می‌کند چنین است: «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم، الذی خلقک فسواک فعدلک» ترجمه: «ای انسان، چه چیز تو را به پروردگارت بزرگوارت مغرور کرده است همان کسی که تو را آفرید و اندامت را درست و معتدل ساخت و متوازن و متناسب قرار داد» (سوره انفطار، آیه ۶ و ۷) سپس به بیان صفات و ویژگی‌های انسان معتدل پرداخته و رفتار آدمی را بر بیان ویژگی‌های تعادل در رفتار عنوان می‌کند تعامل با دیگران و نحوه ارتباط با دیگران انسانها را اگر به‌عنوان نخستین ویژگی رفتاری برشماریم بیان قرآن گویای این نکته است که حفظ حریم و حرمت انسانها و احترام به جایگاه آنان با عناوین مختلف مورد تأکید قرار گرفته است.

آزادی اندیشه، حرمت نگه داشتن و خوار نکردن دیگران حفظ آبرو و حیثیت اشخاص می‌تواند از نمونه‌هایی باشد که در قرآن بر آنها تأکید شده است و نیز تواضع و فروتنی، پرهیز از تکبر و خودخواهی، پرهیز از ستم را برشمرده و تنها وجه امتیاز انسانها بر یکدیگر را به میزان تقوی و پرهیزگاری دانسته است.

حاصل آفرینش جهان و زیبایی آن تحسین برانگیز است، آنچه که مسلم است این زیبایی در اعتدال تجلی پیدا می‌کند که هر چیزی در جای خود قرار دارد، خداوند جهان، در کار اجرای عدالت است و همه چیز را موزون و متوازن آفریده و انسانها را به تناسب و به فراخور ظرفیت، شرایط و موقعیتشان مورد تکلیف قرار می‌دهد، پس جانشین او نیز باید از این ویژگی برخوردار باشد و این است که با انسان کرامت می‌بخشد و وی را موجودی برتر از مخلوقات دیگر قرار می‌دهد، «ولقد کرمتنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» ترجمه: «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم و آنان را در خشکی و دریا سوار کردیم و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم» (سوره اسراء، آیه ۷۰)

ولی هرگز بر او تکلیف مالایطاق نمی‌کند لذا تأکید می‌کند که انجام هر کاری به اندازه توان و وسع اشخاص باید انجام شود، «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» ترجمه: «خدا هیچ‌کس را جزء به اندازه توانائی اش تکلیف نمی‌کند» (سوره بقره، آیه ۲۸۶) و این یعنی اعتدال و میانه‌روی در عمل حتی در مورد ظلمی که کسی بر دیگری اعمال می‌کند، پس در اجرای عدالت و رفع ظلم هم باید حد

اعتدال را نگه داشت بنابر گفته های یاد شده می توان گفت آثار اعتدال در جامعه اسلامی از حاکمیت عقلانی است چون انسان برخوردار از عقل نظری و عقل عملی است که به مدد این دو می تواند برنامه زندگی خود را تنظیم نماید و در این برنامه هم به دنیای خود بی اندیشد و هم برای آخرت توشه ائی فراهم آورد.

۳- اعتدال در حقوق و احکام:

مسئله عدل و اعتدال در حقوق اجتماعی از جمله قوانین مهم اسلامی است و زیر بنای جامعه سالم انسانی به حساب می آید که بدون اجرای آن جامعه سامان نمی یابد و با هرج و مرج روبرو می شود، زیرا همواره در اجتماعات بشری مسائل و مشکلاتی وجود دارد که باید بصورت عادلانه حل و فصل شود تا هرگونه تبعیض و امتیاز نابجا و ظلم و ستم از جامعه برچیده شود.

بطوریکه در بسیاری از آیات قرآن به حفظ حقوق و مساوی بودن تمام مردم در برابر قانون و نفی تبعیض و استعمار و ظلم فرمان داده شده است و مهمتر اینکه استقرار نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین بعنوان یکی از اهداف انبیاء برشمرده شده است. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»، ترجمه: «براستی ما پیامبران خود را به دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند» (سوره حدید، آیه ۲۵) در جایی دیگر خطاب به پیامبر آمده است: «و امرت لاعدل بینکم»، ترجمه: «بگو من مأمور شدم که میان شما عدالت کنم».

بحث قضاوت و داوری از عمده ترین موضوعاتی است که در زمینه اجرای عدالت و رعایت حقوق اجتماعی افراد از جنبه های گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است، رعایت اعتدال در قضاوت آن چنان با اهمیت است که علاوه بر قرآن در منابع دیگر از جمله احادیث و کتاب با عظمت نهج البلاغه تأکید فرلوانی در این زمینه به چشم می خورد، برای مثال پیامبر اکرم (ص) به امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: «هنگامی که طرفین دعوا نزد تو برای قضاوت می آیند حتی در نگاه کردن به آن دو و مقدار چگونگی سخنانی که به آنها می گوئی مساوات و عدالت را رعایت کن (بلاغی، ۱۳۵۸: ۱۱۱) همچنانکه خداوند در قرآن حتی در مورد داوری میان افراد غیر مسلمان رعایت اعتدال را به پیامبر گوشزد می فرماید: «وان حکمت فاحکم بینهم بالقسط» (سوره مائده، آیه ۴۲) و یا در اجرای عدالت و برای جلوگیری از ظلم و ستم متجاوزین، جنگ و پیکار را پیشنهاد می کند. (اشاره به حجرات، آیه ۹).

قصاص از دیگر قوانینی است که در اسلام بعنوان ضامن عدالت اجتماعی از آن یاد می شود که در قرآن به اجرای عادلانه آن تأکید شده است، قانون قصاص اسلامی بسیار عادلانه است، زیرا نه همچون یهودیان تنها تکیه بر قصاص می کند و نه مانند مسیحیت کنونی فقط عفو یا دیه را به پیروان خود اعلام می دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۴۲) بلکه با توجه به نتایج و عواقب منفی که قصاص یا دیه به تنهایی ممکن است به دنبال داشته باشند حکم قصاص را در کنار حکم عفو و خون بها مطرح کرده و اختیار را به اولیاء مقتول داده است (سوره اسراء، آیه ۳۳)

از مصادیق دیگر قوانین عادلانه در اسلام مسئله «لرث» است که در این زمینه آیاتی از قرآن به ضرورت رعایت عدالت در آن از جمله رعایت سهمیه افراد اعم از همسر و فرزندان توجه شده است. (سوره نساء، آیه ۱۱، ۷، ۱۲)، اسلام برخلاف برخی ادیان که

ارث را فقط متعلق به نسبت می دانند، حقوق همسر و فرزندان را نیز محفوظ می دارند و تبعیضات ظالمانه ای را که در میان زن و مرد از یک سو و کودک و بزرگسال از سوی دیگر قائل بودند از بین می برد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ۲۸۷)

۴- اعتدال در مسائل مادی (اقتصادی):

نظام اقتصادی اسلام چه فردی و چه اجتماعی برپایه اعتدال بنا شده است یعنی به گونه ای برنامه ریزی شده که حق کسی از بین نرود و هر صاحب حقی به تناسب کار یا نیازش بتواند زندگی راحتی داشته باشد، یکی از جنبه های اقتصاد و مربوط به مخارج زندگی است که اسلام در این زمینه هم همچون سایر موارد راه میانه را پیشنهاد می کند چنانکه خداوند در ستایش بندگان شایسته خود می فرماید: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما» ترجمه: «آنانکه در انفاق نه مرتکب اسراف می شوند و نه تنگ نظری و بخل نشان می دهند، بلکه راه میانه ای را برای بخشش خود در نظر می گیرند» (سوره فرقان، آیه ۶۷) همچنین در تفسیر آیه ۱۹۵ سوره بقره از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «اگر شخصی تمام مالش را در راه خدا انفاق کند کار خوبی انجام نداده است چرا که خداوند می فرماید: «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» و باید در انفاق حداعتدال و اقتصاد را مراعات کند زیرا اسراف و تضييع معاش موجب هلاکت می شود (بروجردی، ۱۳۴۱، ج ۱: ۳۰۸)

در همین زمینه در آیه ۲۱۹ سوره بقره آمده است «ویستلونک ماذا ینفقون قل العفو» ترجمه: «و از تو می پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو مازاد (برنیازهای خود را)». در انفاق باید رعایت عفو شود، عفو در لغت معانی متعددی دارد: وسط و میانه هر چیز، مقدر اضافه چیزی، بهترین قسمت مال (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۷۳)

که در اینجا دو معنای اول تناسب بیشتری را با مفهوم آیه نشان می دهد یعنی در انفاق حد وسط را رعایت کنید و یا از مازاد نیازمندی های خود انفاق کنید و با زیاده روی در انفاق وضعیت اقتصادی و معیشتی خود را مختل نکنید، از سوی دیگر در زمینه بخش اقتصادی در جامعه در گروه رعایت اصل عدل و اعتدال در مسائل اقتصادی و در نتیجه برقراری عدالت و اعتدال اجتماعی است، در قرآن به شدت افرادی را که عامل اختلال در امر برقراری تعادل نظام اقتصادی جامعه هستند مورد ملامت و سرزنش قرار می دهد، کسانی که در این راه عدل و انصاف را زیر پا می گذارند و از دادن حق دیگران سرباز می زنند، «ویل للمطففین، الذین اذا اکتالوا علی الناس یتستوفون، و اذا کالوهم لو ورتوهم یخسرون» ترجمه: «وای بر کم فروشان، که چون از مردم پیمانان ستانند تمام ستانند، و چون برای آنان پیمانان یا وزن کنند به ایشان کم دهند».

مفاد تمام آیات فوق و نیز آیات دیگری از این دست، در راستای بر پا داشتن یک نظام عادلانه در امر معامله و مبادله کالا است که یکی از زیر بنایی ترین بنیان های نظام اقتصادی جامعه به شمار می رود، بی شک اگر مبادلات و توزیع کالا عادلانه انجام گیرد بخش عظیمی از تکاثرها و تراکم های ثروت و تجاوز به حقوق محرومان جامعه از بین می رود، البته درباره سایر اموری که به مسائل اقتصادی مربوط می شوند از جمله: خمس، زکات، نفقات و غیره که برای توزیع عادلانه ثروت ها و مواهب الهی در میان اقشار

مختلف جامعه قرار داده شده اند مباحث فراوانی را می‌توان در قرآن و نهج‌البلاغه سراغ گرفت که همه آنها به اصل مهم عدل و اعتدال نظر دارند.

نتیجه گیری:

همچنان که در آیات بی شمار قرآن و احادیث یاد شده از نهج‌البلاغه مستفاد می‌شود اسلام مکتب عدل و اعتدال و امت اسلامی امت میانه رو و معتدل است، نظام آن عادلانه و بر محور میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط است، همانطور که برای سلامتی بدن انسان برنامه می‌دهد، به رشد معنوی وی نیز توجه دارد، اگر توالی و دوستی اولیاء خدا را مطرح می‌کند، تبری و دوری از دشمنان هم دارد با اینکه در اجرای حدود الهی فرمان به فاطعیت می‌دهد، عفو و گذشت را نیز در دستور کار خود قرار می‌دهد، خلاصه اینکه رویه اعتدال امری غریزی و ارثی نیست بلکه حاصل آموزش و تربیت دینی است و چون بر مبنای عقل و اندیشه شکل می‌گیرد امری بدیهی در عقول سالم شناخته می‌شود و حاصل آن فضیلتی است بر اساس معرفت و آگاهی که با فاطعیت در نظر تلازم دارد و آثار آن بر برقراری ارتباطات و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد.

قرآن در خصوص اعتدال بر اصل تساهل و مدار تکیه دارد و مجموعه دستور العمل‌ها در حوزه اندیشه، گفتار و رفتار، حقوق و احکام و مسائل مادی با تأکید بر رویه اعتدال صادر شده است، فارغ از معنای واژه اعتدال، آنچه که آن را نمایندگی می‌کند میانه‌روی است که آیات متعددی به بیان شرایط و موقعیت برای اجرای اعتدال را یادآوری می‌کند و در عین حال تأکید قرآن بر این نکته است که در همه امور از افراط و تفریط پرهیز شود و بدین ترتیب در عین رعایت عدالت و احقاق حقوق آحاد جامعه به اصلاح نگاه انسان‌ها پرداخته که با رویکردی معرفت‌گرایانه نسبت به فلسفه آفرینش و رعایت میانه‌روی در آن به اصلاح رفتار جامعه بر مبنای اعتدال پرداخته شود، حاصل این رفتار برخورداری از آرامش، امنیت و عقلانیت را به همراه خواهد داشت در چنین جامعه‌ای نزاع‌ها رنگ خواهند باخت و تهدیدها تبدیل به فرصت می‌شوند به کرامت انسانها لاج‌نهاد می‌شود و کمال آنها عینیت می‌یابد و هر چیزی در جای خود و بر اساس شأن خود قرار می‌گیرد و به این ترتیب اعتدال معنای واقعی خود را محقق می‌سازد...

فهرست منابع:

- ۱) قرآن.
- ۲) نهج‌البلاغه.
- ۳) دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۷)، «احمد بن علویه ازبک خان»، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، جلد ۷.
- ۴) شکریان، مریم، «نقش تربیتی اعتدال در قرآن و نهج‌البلاغه»، فصلنامه قرآنی کوثر ۳۳، ص ۵۵.
- ۵) حسینی، شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۴)، «تفسیر اثنی عشری»، تهران، میقات.

- ۶) حکیم پور، محمد، (۱۳۹۳)، «اعتدال در قرآن»، تهران، نگاه معاصر.
- ۷) کمپانی زارع، مهدی، (۱۳۹۳)، «اسلام و فضیلت اعتدال، از مجموعه رهیافت هایی بر گفتمان اعتدال به کوشش ابراهیم حاجیانی»، تهران، نگاه معاصر.
- ۸) قرشی، علی اکبر، (۱۳۵۲)، «قاموس قرآن»، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۹) حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۳)، «رهیافت هائی بر گفتمان اعتدال» تهران، نگاه معاصر.
- ۱۰) ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، «روش های تحقیق در علوم اجتماعی»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
- ۱۱) عضدانلو، حمید، (۱۳۸۰)، «گفتمان و جامعه»، نشر نی.
- ۱۲) علی پور، مهدی، (۱۳۸۵)، «جایگاه شناسی علم اصول گاهی به سوی تحول»، حوزه علمیه قم.
- ۱۳) کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۴)، «روش و بینش در سیاست»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۴) مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، «مجموعه آثار دو مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی»، انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
- ۱۵) لوک بدار، زوزه دزیل و لوک لامارش، «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه حمزه گنجی، نشر ساوان، تهران، چاپ پنجم.
- ۱۶) زمانیان، علی، (۱۳۸۸)، «پدیداری شناسی اعتدال، از مجموعه رهیافت هایی بر گفتمان اعتدال»، تهران، نگاه معاصر.
- ۱۷) طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۶۳)، «ترجمه تفسیر المیزان»، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی.
- ۱۸) قبادی، مریم، (۱۳۸۶)، «بازشناسی اندیشه غلو»، تهران، www.ihcs.
- ۱۹) بروجردی، اشرف، (۱۳۹۰)، «روابط و مناسبات بین فردی در اجتماع از دیدگاه قرآن»، تهران، نشر کویر.
- ۲۰) بلاغی، سید صدرالدین، (۱۳۵۸)، «عدالت و قضاء در اسلام»، تهران، امیرکبیر.
- ۲۱) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۶)، «تفسیر نمونه»، تهران، انتشارات دارالکتب اسلامیه.
- ۲۲) بروجردی، سید ابراهیم، (۱۳۴۱)، «تفسیر جامع»، تهران، صدر.